

ناگفته‌هایی از بهائیت

شاید هیچ تحلیلی گویاتر از اسناد موجود در بررسی ماهیت فرقه بهائیت و اقدامات مخرب و انحرافی پیروان آن وجود نداشته باشد. نوشتار حاضر، به بیان ناگفته‌هایی از بهائیت بر اساس بعضی اسناد اختصاص یافته است.

تاریخ معاصر ایران، ناگفته‌های بسیاری دارد که از جمله آن‌ها، نقش مخرب فرقه بهائیت در تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران است و شرح آن فرصتی بسیار گسترده می‌طلبد. آنچه در این مجال در پی آنیم، اشاره به ناگفته‌هایی از فعالیت این فرقه است.

خوشبختانه، بر اساس اسناد به‌جامانده از دوران رژیم پهلوی، اطلاعات بسیار ارزشمندی از فعالیت‌های خیانت‌آمیز سران این فرقه در دسترس محققان و پژوهشگران قرار گرفته است، ضمن اینکه، خاطرات روشنگرانه عده‌ای از مطلعان، نظیر مرحومان فضل‌الله مهتدی معروف به صبحی، عبدالحسین آبتی (آواره سابق)، حسن نیکو و دیگران، که سال‌ها از نویسندگان و مبلغان زبده بهائیت بوده و سپس تائب شده و به دامن اسلام برگشته‌اند، می‌تواند خلأهای پژوهشی اسناد را جبران نماید.

نفوذ و فعالیت گسترده بهائیان در سطوح بالای دستگاه اداری کشورمان در زمان سلطنت محمدرضا پهلوی بر کسی پوشیده نیست.^۱ ضمن اینکه در عصر پهلوی، پیوندهای مستحکم و آشکاری بین سران این فرقه و رژیم اشغالگر قدس وجود داشت. هم‌زمان با دوران نهضت ملی نفت به بعد، به‌ویژه سال ۱۳۳۲، فعالیت گسترده و سازمان‌دهی شده‌ای از طرف بهائیان در کشورمان آغاز شد. متقابلاً در همان سال‌ها واعظ شهیر، مرحوم حجت‌الاسلام فلسفی، در سال ۱۳۳۴ به اشاره و دستور آیت‌الله‌العظمی بروجردی سخنرانی‌های روشنگر و پرشوری علیه بهائیت انجام داد که (به‌رغم مخالفت شدید دسته‌ای از مسئولان عالی‌رتبه رژیم، نظیر اسدالله علم) از رادیو پخش شد و درواقع یکی از عکس‌العمل‌های مهم نیروهای مذهبی در مقابل گسترش فعالیت فرقه ضاله بود.^۲

اسناد موجود، نکات مهمی از برنامه‌های بلندمدت بهائیان در این مقطع را فاش می‌سازد. اولین برنامه بلندمدت فرقه از سال ۱۳۳۲ شروع شد و در ۱۳۴۲ به پایان رسید. با رحلت مرحوم آیت‌الله بروجردی، هم‌زمان با اجرای سیاست‌های مورد نظر آمریکایی‌ها توسط محمدرضا پهلوی در ایران، بهائیان هم فعالیت‌های خود را شدت بخشیدند.

در قسمتی از گزارشی که سال ۱۳۴۴ درباره برنامه ده‌ساله فرقه تهیه (و به نظر شاه هم رسانده) شده چنین آمده است: «...به طوری که فوقاً به عرض رسید، از مفاد نامه‌ها و بخشنامه‌های صادره محفل مرکزی چنین استنباط می‌گردد که هدف نهایی، ازدیاد وابستگان به فرقه بهائی و تا حداکثر امکان نفوذ در تمام قسمت‌ها و

نقاط کشور به خصوص در میان مردم دهات و ایلات و عشایر است...» در دستوراتی که محفل بهائیان صادر کرده بود راهکارهای رسیدن به اهداف مورد اشاره، ارائه شده بود که از جمله آن‌ها، راه‌اندازی محافل بهائی در نواحی فاقد محفل، و دایر کردن کلاس‌های رفع اشکال و نیز گردآوری «هرگونه کتب خطی یا مطبوع که دارای مطالبی درباره افکار و عقاید، روحیات و خصوصیات مرسوم و عادات یا هنر و انواع اطلاعات دیگری راجع به عشایر و ایلات» و ارسال آن به مرکز می‌باشد.^۳

از موضوعات جالب توجه، هم‌زمانی پایان برنامه ده‌ساله اول بهائیان با اوج‌گیری نهضت اسلامی ملت ایران به رهبری مراجع معظم تقلید و در رأس آن‌ها امام خمینی (ره) است. امام و سایر علما و مراجع، معتقد بودند که سران بهائیت در ایران، عمال اسرائیل‌اند و لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی (مصوبه دولت علم) بیشتر برای هموار ساختن راه نفوذ این فرقه در کشور طراحی شده است: «حساسیت موضوع، زمانی روشن می‌شود که دانسته شود بهائیان، ایران را بعد از اسرائیل دومین سرزمین بهائیان، و آن را مرکز قیام و تسخیر جهان می‌دانستند. آن‌ها با چاپ نقشه ده ساله خود اهمیت ایران را برای بهائیان نشان دادند.»^۴

در بهار سال ۱۳۴۲ دوهزار نفر زن و مرد بهائی با مساعدت دولت ایران (یعنی همان کابینه اسدالله علم، که به دستور امریکا، قیام ملت در ۱۵ خرداد همین سال را به خاک و خون کشید) از طریق فرودگاه مهرآباد به لندن رفتند تا در هشتم اردیبهشت در یک اجتماع پانزده‌هزار نفری برای معارفه گروه نه نفری رهبری این فرقه شرکت جویند.^۵

اقدام نادرست و خلاف شرع و عرفی که خروش اعتراض‌آمیز امام خمینی را به دنبال داشت: «از چیزهایی که سوء نیت دولت حاضر را اثبات می‌کند، تسهیلاتی است که برای مسافرت دوهزار نفری یا بیشتر از فرق ضاله قائل شده است و به هر یک پانصد دلار ارز داده‌اند و قریب ۱۲۰۰ تومان تخفیف در بلیط هواپیما داده‌اند، به مقصد آنکه این عده در محفلی که در لندن از آن‌ها تشکیل می‌شود و صد درصد ضد اسلامی است شرکت کنند. در مقابل برای زیارت حجاج بیت‌الله الحرام چه مشکلات که ایجاد نمی‌کنند و چه اجحافات و خرج‌تراشی‌ها که نمی‌شود؟!»^۶

پنج روز پس از سرکوب خونین قیام پانزده خرداد نیز محفل ملی بهائیان تهران نامه تشویق‌آمیزی به تیمسار سرتیپ پرویز خسروانی (فرمانده ژاندارمری ناحیه مرکز در زمان کشتار پانزده خرداد، و بعدها آجودان فرح، معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان تربیت بدنی، و نیز مدیرعامل باشگاه تاج بعد از بازنشستگی) نوشت و طی آن، قیام حق طلبانه ملت مسلمان به رهبری مراجع معظم تقلید و در رأس آنان امام خمینی را «تجاوز اراذل و اوباش و رجاله» و «سوء عمل جهلای معروف به علم!» نامید و ضمن «تقدیر» از «زحمات و خدمات

و سرعت عمل تیمسار» نوشت: «تاریخ امر بهائی آن جناب را در ردیف همان چهره‌های درخشان و نگیهان مدنیت عالم انسانی ثبت و ضبط خواهد نمود»!

در چنین شرایطی بود که امام خمینی، در پیام‌ها و اعلامیه‌های کوبنده‌ی خویش بهائیان را اعمال اسرائیل یاد کرد و با روشنگری‌های خود، خواب خوش آن‌ها، و قدرت‌های مستبد و جهان‌خوار حامی‌شان در داخل و خارج کشور را، برآشفست: «این جانب حسب وظیفه شرعی به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم. قرآن کریم و اسلام در خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد در معرض قبضه صهیونیست‌هاست که در ایران به شکل حزب بهائی ظاهر شدند و مدتی نخواهد گذشت که با این سکوت مرگبار مسلمین، تمام اقتصاد این مملکت را با تأیید اعمال خود قبضه می‌کنند و ملت مسلمان را از هستی در تمام شئون ساقط می‌کنند. تلویزیون ایران پایگاه جاسوسی یهود است. دولت‌ها ناظر آن هستند و از آن تأیید می‌کنند. ملت مسلمان تا رفع این خطرها نشود سکوت نمی‌کنند و اگر کسی سکوت کند، در پیشگاه خداوند قاهر، مسئول... است.»^{۱۱}

به گواه اسناد موجود، محفل بهائیت، برای رسیدن به اهداف مهم‌تر خویش، برنامه دیگری تهیه کرد که اجرای آن از اواخر سال ۱۳۴۳، یعنی پس از تبعید امام (به جرم مخالفت با کاپیتولاسیون) آغاز گردید. برنامه دوم بهائیت، که نه ساله بود، تا سال ۱۳۵۴ ادامه یافت و می‌توان گفت که در طول این برنامه، با حمایت شاه، امریکا و اسرائیل، تمامی ارکان رسمی کشور در اختیار بهائیان قرار گرفت. در ۱۳۵۱ طبق اسناد ساواک، ۱۱۲ تن از امرای ارتش، شهرداری و ژاندارمری از بهائیان بودند. «بهائیان در مدت کوتاهی چنان رشد کردند و مشاغل حساس را به اشغال خود درآوردند که در کابینه هویدا نه وزیر بهائی» حضور داشتند.^{۱۲}

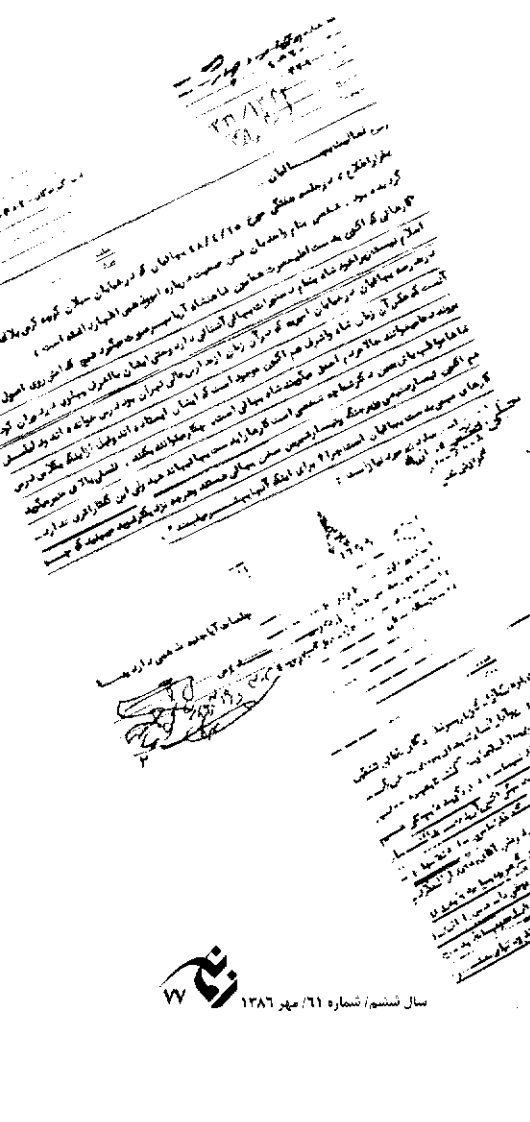
از اسناد و گزارش‌های موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی چنین روشن می‌شود که هر چه دوران شروع انقلاب اسلامی نزدیک‌تر می‌شد نفوذ روزافزون و همه‌جانبه این فرقه استعماری در تمامی ارکان حکومت افزون‌تر می‌گشت. به علاوه جسارت و جرئت بهائیان در سطح جامعه و مجامع دانشگاهی افزایش می‌یافت، تا جایی که به وابستگی خود به بیگانگان افتخار می‌کردند

و از بیان علنی این امر ابایی نداشتند. در گزارش زیر از سال ۱۳۵۶ آمده است: «طبق اطلاع، اخیراً شخصی به نام شهرام عیسی‌خانی، دانشجوی سال اول ریاضی دانشکده علوم دانشگاه آذربایجان، در کلاس درس، سایر دانشجویان را به قبول مسلک بهائیت تشویق و چنین اظهار می‌دارد که دولت شوروی و انگلیس مخفیانه به بهائیان پول می‌دهند که تا کمیته بهائیان را تقویت کنند. ما نیز افراد بهائی، به‌ویژه اشخاصی را که به این مسلک پیوندند از نظر تأمین مسکن و کمک‌هزینه زندگی حمایت و کمک می‌کنیم.»^{۱۳}

در همین زمینه، گزارش بسیار جالبی از جلسه بهائیان شیراز وجود دارد که مراحل پیشرفت و اهداف واقعی فعالیت بهائیان در ایران و خواسته اصلی ایشان را به خوبی نشان می‌دهد. قسمتی از گزارش ساواک از سخنان فردی بهائی به نام ولی‌الله لقمائی چنین است: «اکنون از امریکا و لندن صریحاً دستور داریم در این مملکت مد لباس و یا ساختمان‌ها و بی‌حجابی را رونق دهیم که مسلمانان آن‌ها را از صورت خود بردارند. به طوری که من مطالبی در منزل آقای معتمد قرائت کردم و تمام دختران و پسران بهائی خوشحال شدند.» رهاکارهایی که فرد بهائی فوق ارائه داده جالب است: «در ایران و کشورهای مسلمان دیگر هرچه بتوانید با پیروی از مد و تبلیغات، ملت اسلام را رنج دهید تا آن‌ها نگویند امام حسین [ع] فاتح دنیا بوده و علی [ع] غالب دنیا. البته بهائیان هم تصدیق دارند، ولی نه برای قرن اتم؛ اتمی که به دست بهائیان درست می‌شود، اسلحه و مهمات به دست نوجوانان ما در اسرائیل ساخته می‌شود. این مسلمانان آخر به دست بهائیان از بین می‌روند و دنیای حضرت بهاءالله رونق می‌گیرد»^{۱۴}

در ادامه، چند سند تاریخی در خصوص برنامه اول و دوم بهائیت در کشورمان در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی آورده شده است:

امام خمینی: این جانب حسب وظیفه شرعی به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم. قرآن کریم و اسلام در خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد در معرض قبضه صهیونیست‌هاست که در ایران به شکل حزب بهائی ظاهر شدند و مدتی نخواهد گذشت که با این سکوت مرگبار مسلمین، تمام اقتصاد این مملکت را با تأیید اعمال خود قبضه می‌کنند و ملت مسلمان را از هستی در تمام شئون ساقط می‌کنند. تلویزیون ایران پایگاه جاسوسی یهود است



سند شماره ۱:

نسخه شماره چهار و چهار یک

به ۲۰ هـ ۴

از ۳۲۱

شماره: ۳۲۱/۱۳۴۲

تاریخ: ۴۸/۴/۵

گیرندگان: ۳۰۲-۳۱۰

موضوع: فعالیت بهائیان

به قرار اطلاع، در جلسه هفتگی مورخ ۴۸/۴/۲۵ بهائیان که در خیابان سیلان کوچه کرمی پلاک ۲۷ تشکیل گردیده بود، شخصی به نام واحدیان ضمن صحبت درباره امور مذهبی اظهار داشته است: «کارهایی که اکنون به دست اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر صورت می‌گیرد هیچ کدامش روی اصول دین اسلام نیست، زیرا خود شاه به تمام دستورات بهائی آشنایی دارد و حتی ایشان با اشرف پهلوی در دوران کودکی در مدرسه بهائیان در خیابان امیریه که در آن زمان از مدارس عالی تهران بود درس خوانده‌اند و دلیلش آن است که عکس آن زمان شاه و اشرف هم‌اکنون موجود است که ایشان ایستاده‌اند و قبل از اینکه به کلاس درس بروند دعا می‌خوانند. حالا مردم احمق می‌گویند شاه بهائی است؛ چکار می‌توانند بکنند. فلسفی بالای منبر می‌گوید شاهها مواظب باش بین دکترا شما چه شخصی است، کارها را به دست بهائیان ندهید. ولی این گفتار اثری ندارد. هم‌اکنون تیمسار صنیعی، وزیر جنگ، و تیمسار شیرین‌سخن بهائی هستند و هرچه نزدیک‌تر شوید می‌بینید که چه کارهای مهمی به دست

بهائیان است. چرا؟ برای اینکه آن‌ها بیشتر می‌فهمند.»

تحقیق بیرامون موارد زیر مورد نیاز است:

- ۱- تعیین صحت و سقم موضوع؛ ۲- واحدیان شناسایی و مشخصات بیشتری از وی اعلام دارند؛
- ۳- گرداندگان جلسات مزبور چه کسانی هستند و هدف از تشکیل این جلسات آیا جنبه مذهبی دارد یا فعالیت‌های دیگری در پوشش مذهب [است؟]؛ ۴- در جریان جلسات مورد بحث قرار گرفته و نتیجه را به موقع اعلام دارند.^{۱۵}

سند شماره ۲:

طبقه‌بندی حفاظتی: خیلی محرمانه

گزارش خبر

صفحه یک از یک

صفحه شماره یک از چهار

به: ۳۲۱

از: ۷ هـ ۴

شماره گزارش: ۷۵۹۶/هـ

تاریخ گزارش: ۵۰/۲/۱۸

منبع: ۱۶۹۹

تاریخ وقوع: ۵۰/۲/۱۱

تاریخ رسیدن خبر به منبع: ۵۰/۲/۱۱

تاریخ رسیدن خبر به رهبر عملیات محل: ۵۰/۲/۱۲

موضوع: بهائیان

جلسه‌ای با شرکت نه نفر از بهائیان ناحیه ۱۵ شیراز در منزل آقای فرهنگ آزادگان و زیر نظر آقای لقمانی تشکیل گردید. بعد از قرائت نامه، آقای ولی‌الله لقمانی در مورد ادیان جهان و آمار آن‌ها و شهدای بهائیت سخن گفت. وی اضافه کرد آقایان بهائیان بهتر است بیشتر مطالعه نمایند و از روی حقیقت قضاوت کنند تا بفهمند معنی بهائیت که امروز آزادی بیشتری دارند یعنی چه؟

در زمان قدیم، احبّاء نمی‌توانستند بگویند ما بهائی هستیم و نمی‌توانستند تبلیغ کنند. اگر هم مبارزهای می‌نمودند، فوراً آن‌ها را می‌کشتند، لیکن اکنون آن تعصب‌ها کنار گذاشته شده است. اکنون از آمریکا و لندن صریحاً دستور داریم در این مملکت مد لباس و یا ساختمان‌ها و بی‌حجابی را رونق دهیم که مسلمانان نقاب از صورت خود بردارند. به طوری که من مطالبی در منزل آقای معتمد قرائت کردم و تمام دختران و پسران بهائی خوشحال شدند. در ایران و کشورهای مسلمان دیگر هر چه بتوانید با پیروی از مد و تبلیغات، ملت اسلام را رنج دهید تا آنها نگویند امام حسین [ع]

فاتح دنیا بوده و علی [ع] غالب دنیا. البته بهائیان هم تصدیق دارند ولی نه برای قرن نهم؛ امی که به دست بهائیان درست می‌شود، اسلحه و مهمات به دست نوجوانان ما در اسرائیل ساخته می‌شود. این مسلمانان آخر به دست بهائیان از بین می‌روند و دنیای حضرت بهاء‌الله رونق می‌گیرد.

نظریه یکشنبه: اظهارات شنبه مورد تأیید است. دریانی. نظریه چهارشنبه: صحت اظهارات شنبه مورد تأیید است.^{۱۷}

نظریه ۷/ هـ — نظریه چهارشنبه مورد تأیید است. م. پایگانی شود...^{۱۸}

پی‌نوشت‌ها

* کارشناس مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱- رک: آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده بهائیت.

۲- محمدحسن رجبی، زندگی‌نامه سیاسی امام خمینی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۳۳۱

۳- برای شرح ماجرا رک: خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، ویرایش علی دوانی، محمد رجبی و محمدحسن رجبی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۹۰ به بعد.

۴- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده بهائیت آذربایجان.

۵- روح‌الله حسینیان، سه سال مرجعیت شیعه در ایران (۱۳۴۳-۱۳۴۱)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۴، ص ۱۷۹؛ عنوان نقشه ده‌ساله چنین نوشته شده است: «وقت قیام و خروج و هجوم و جوش و خروش و کفاح و تسخیر مدن و فتح اقطار و غلبه بر جهان و جهانیان است (شوقی افندی)، وظایف ۱۹ گانه محفل روحانی ملی ایران در اجرای نقشه ده‌ساله.» (رک: سند شماره ۳)

۶- محمدحسن رجبی، همان، صص ۲۷۸-۲۷۷

۷- امام خمینی، صحیفه نور، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۴۴

۸- رک: سیدحمید روحانی، نهضت امام خمینی، ج ۱، تهران، عروج، چاپ ۱۵، ۱۳۸۱، ص ۱۵۱۶، سند شماره ۲۶۶

۹- می‌دانیم که تلویزیون ایران، در عصر پهلوی، پیش از آنکه در اختیار دولت قرار گیرد، در تملک حبیب ثابت، بهائی سرمایه‌دار و صهیونیست‌مآب مشهور، قرار داشت.

۱۰- امام خمینی، همان، ج ۱، ص ۳۴

۱۱- روح‌الله حسینیان، همان، صص ۱۸۶-۱۸۵

۱۲- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده بهائیت آذربایجان، سند شماره ۱۰۳۰ - ۲۱ - ۵۵ به تاریخ ۱۳۵۶/۳/۷

۱۳- روح‌الله حسینیان، همان، ص ۱۸۳، سند شماره ۱۳

۱۴- «۲۰ هـ»، اداره ساواک تهران؛ ۳۱۰، دفتر اداره یکم عملیات و بررسی (وابسته به اداره کل سوم: «امنیت داخلی» سازمان ساواک؛ و ۳۲۱ نیز اداره دوم عملیات و بررسی آن سازمان، بخش دانشگاه تهران است.

۱۵- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده بهائیت تهران.

۱۶- مقصود از ۷ هـ ساواک استان فارس است.

۱۷- شنبه، منبع نفوذی ساواک؛ و چهارشنبه، رئیس سازمان اطلاعات و امنیت منطقه و رئیس اداره کل ساواک است.

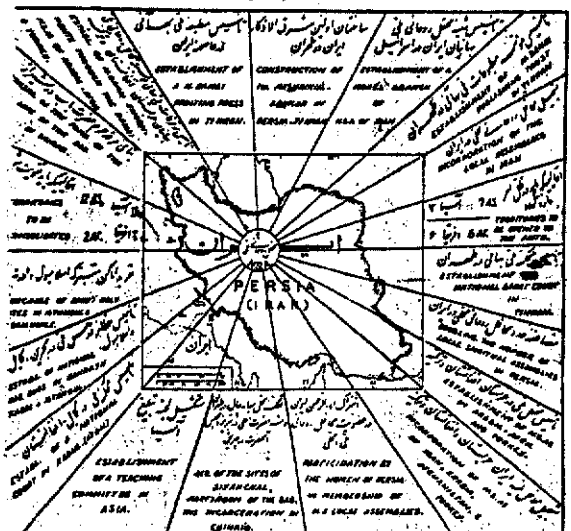
۱۸- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده بهائیت تهران.

سند شماره ۳ (نمای نقشه ده ساله بهائیان)

وقت قیام و خروج و هجوم و برپایی در پیشگاه و گنج و تیز کردن و فتح اقطار و غلبه بر جهان و

جایان است - نهضت رشتخانه

نقشه ۱۹ گانه روحانی ایران در ۱۰ سال آینده



THE OBJECTIVES OF THE TEN YEAR PLAN ALLOCATED TO NSA OF PERSIA (IRAN)